

# میجالیس شاد

## بایدها و نبایدها

در گفتگو با حجت الاسلام حسینی اراکی

را در درون بشر قرار داده که استفاده درست و آگاهانه از آنها موجب رشد و تعالی و تکامل انسان می‌شود؛ مثل میل به لذت و قدرت و تمایلات دیگر. یکی از آن تمایلات میل به شادی و گریزان بودن از غم است.

انسان به شادی و سرور احتیاج دارد؛ ولی اگر بخواهیم بر این تمایل نگاهی درست و واقعی بیندازیم، آن شادی و سروری شایسته و مفید است که آثار مثبت روحی و روانی و دنیوی و اخروی داشته باشد. این شادی باید دارای خصوصیات و ویژگیهای ذیل

● امروزه در مسئله شادی و نشاط گاهی بحثهای متعارضی مطرح می‌شود. نظر حضرت تعالی چیست؟

○ یکی از مسائلی که در جامعه جوان ما مقداری تنش ایجاد کرده است، مسئله تقابل اسلام با شادی است؛ به این معنا که به خاطر برخوردهای سلیقه‌ای با مسئله شادی و گاهی انجام بعضی امور خلاف منطق و یا برخوردهای نامناسب، بعضی تصور می‌کنند که اسلام با شادی مخالف است.

خداوند متعال براساس حکمت و مصلحت و رحمت، تمایلات و تمنیاتی

باشد:

**انسان به شادی و سرور احتیاج دارد؛ ولی اگر بخواهیم بر این تمایل نگاهی درست و واقعی بیندازیم، آن شادی و سروری شایسته و مفید است که آثار مثبت روحی و روانی و دنیوی و اخروی داشته باشد**

چه بسا عقلی که تحت هوای نفسی که امیر است، اسیر می‌باشد. اگر انسان به شادی دیگران مخصوصاً وجود مقدس اهل بیت علیهم‌السلام شساد شود و به غم و حزن آنها محزون گردد، این بهترین روش برای خروج از زندان نفس، خودپرستی، خودگرایی و خود دوستی است.

● **بهترین الگو برای مجالس مؤمنین کدام است تا اهل ایمان بتوانند جلسات خود را با آن تنظیم کنند؟**

○ قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»<sup>(۳)</sup>  
«مسلماناً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیر دارند و

۱. به حق باشد؛ یعنی بر محور حق بچرخد نه باطل؛ شادی و سرور بر محور حق مقبول است. قرآن خطاب به کفار که عقوبت خدا را می‌چشند می‌گوید: ﴿ذَلِكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ﴾<sup>(۱)</sup> «این [عذاب] به خاطر آن است که به ناحق در زمین شادی می‌کردید و از روی غرور و مستی به خوشحالی می‌پرداختید.»

۲. براساس عقلانیت و خرد باشد؛ چنانکه در روایات است که انسان جاهل تا شاد می‌شود غافل می‌شود، مست می‌شود، طغیان و عصیان می‌کند، خدا و خواسته‌های او را فراموش می‌کند.

۳. بر محور اعتدال و دوری از افراط و تفریط باشد؛

۴. وسیله مبارزه با نفس باشد نه اسارت و تسلیم در برابر نفس؛ آن کسی که برای خود و دلخواهی خود و خواسته‌های نفس شاد است، در باطن اسیر می‌باشد. امام علی علیه‌السلام فرمودند: «كَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ تَحْتَ هَوَىٰ أَمِيرٍ»<sup>(۲)</sup>

۱. غافر/۷۵.

۲. نهج البلاغه، ص ۵۰۷؛ بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۴۱۱.

۳. احزاب/۲۱.

خدا را بسیار یاد می کنند.»

چگونه بود؟»

اگر رسول اکرم ﷺ الگو و اسوه برای تمام شئون و حوزه های زندگی ماست، ما باید افکار و تمایلات و رفتارهای خودمان را با این مقیاس الهی و آسمانی بسنجیم و از جمله جلسات و مجالس ما باید براساس جلسات آن حضرت باشد.

آقا امام حسین (ع) می فرماید: من از پدرم امیرالمؤمنین علی (ع) از ویژگیها و خصوصیات مجالس رسول الله ﷺ سؤال کردم و پدرم در پاسخ فرمود:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَجْلِسُ وَلَا يَقُومُ إِلَّا عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ ... مَجْلِسُهُ مَجْلِسُ حِلْمٍ وَ حَيَاءٍ وَ صَبْرٍ وَ أَمَانَةٍ لَا تُرْفَعُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَ لَا يُوهَنُ فِيهِ الْحُرْمُ...»<sup>(۱)</sup>

رسول خدا ﷺ این گونه بود که جز با نام و یاد خدا نشست و برخاست نمی کرد. مجلس او مجلس حلم و شرم و صبر و امانت بود، در مجلس او صداها بلند نمی گشت و حرمت کسی هتک و توهین نمی شد و ...»

گفتم: «كَيْفَ كَانَتْ سِيرَتُهُ فِي مَجْلِسَاتِهِ؟ سِيرَةُ حَضْرَتٍ بِأَهْمَشِيَانِش

فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دَائِمَ الْبَشْرِ سَهْلَ الْخُلُقِ لِيَنَّ الْجَانِبَ لَيْسَ بِفِظٍّ وَلَا غَلِيظٍ وَلَا صَخَابٍ وَلَا فَحَّاشٍ وَلَا عَيَّابٍ وَلَا مَدَّاحٍ يَتَغَافَلُ عَمَّا لَا يَشْتَهِي فَلَا يُؤَيِّسُ مِنْهُ وَلَا يُخَيِّبُ فِيهِ مُؤَمِّلِيهِ قَدْ تَرَكَ نَفْسَهُ مِنْ ثَلَاثِ الْمِرَاءِ وَ الْإِكْتَارِ وَ مِمَّا لَا يَغْنِيهِ؛ رَسُولُ خَدَائِكَ ﷺ هَمُورَهُ خُوشِرُو،

سهل گیر و نرمخو بود. خشونت و تندخویی نداشت، پرخاشجویی و دشنامگویی نمی نمود، عیبجویی و یا مداحی نمی کرد، از آنچه نمی پسندید تغافل می فرمود، و در عین حال کسی را مأیوس نمی ساخت و دیگران را که بدان مایل بودند ناامید و رانده نمی کرد. خود را از سه چیز محفوظ می داشت: مرأه

(جدال)، پرگویی و کارهای بیهوده.»

«... يَضْحَكُ مِمَّا يَضْحَكُونَ مِنْهُ وَ يَتَعَجَّبُ مِمَّا يَتَعَجَّبُونَ مِنْهُ؛<sup>(۲)</sup> از آنچه همه می خندیدند، می خندید و از آنچه اظهار شگفتی می کردند، اظهار شگفتی می کرد.»

● با توجه به معارف الهی و سیره

۲. مکارم الاخلاق، ترجمه میرباقری، ج ۱، ص ۲۷ - ۲۹.

۱. مکارم الاخلاق، ص ۱۳.

اگر رسول اکرم ﷺ الگو و اسوه برای تمام شئون و حوزه‌های زندگی ماست، ما باید افکار و تمایلات و رفتارهای خودمان را با این مقیاس الهی و آسمانی بسنجیم و از جمله جلسات و مجالس ما باید براساس جلسات آن حضرت باشد

و فرح‌بخش باشند؛

۲. لطیفه‌های خوب و در خور شأن؛

۳. پخش شیرینی و شربت و...؛

۴. برگزاری مسابقه فرهنگی - آموزشی و اهداء جوایز.

● **طبعاً بعضی از مجالس شاد** مورد پسند دین نیستند. از نظر شما مجالس شادی ناپسند چه ویژگی‌هایی دارند؟

○ خصوصیات و ویژگی‌های مجلس شادی ناپسند عبارتند از:

۱. غفلت و فراموشی خدا و اهل

بیت ﷺ؛

۲. فقدان افاده و استفاده، از فرهنگ

اهل بیت ﷺ؛

و سخن معصومین ﷺ، از نظر شما شادی و سرور پسندیده دارای چه ویژگی‌هایی باید باشد؟

○ شادی و سرور پسندیده دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. به حق بودن و در جهت خدا و جلب رضایت خدا و اهل بیت ﷺ بودن؛

۲. سنخیت و تشابه به اهل بیت ﷺ داشتن که فرمودند: «یفرحون لفرحنا»؛

۳. متعادل بودن و دوری از افراط و تفریط؛

۴. هدف مقدس داشتن و استفاده از ابزارهای شایسته و در خور شأن برای تحقق آن هدف مقدس؛

در این خصوص باید کیفیت ابزار، اشعار، سخنان و فضا، یا قیافه و چهره و لباس مناسب و در خور شأن باشد.

● **چگونه می‌توان جلسات شاد و فرح‌بخش ایجاد کرد؟**

○ ایجاد فضای شاد و فرح‌بخش در جلسات شاد، می‌تواند با استفاده از محورهای زیر صورت گیرد:

۱. سخنان و آموزه‌هایی که امیدبخش

۳. ریاء و سمعه و چشم وهم چشم بازی؛
۴. هدف شدن صرف شادی و سرور و همراه نشدن آن با آگاهی و بصیرت؛
۵. تشبیه شدن به مجالس لهو و لعب؛
۶. خشک و بی‌روح بودن و شبیه مجالس ماتم شدن؛
۷. فقدان فضا، سخن، لباس، و شعر مناسب؛
۸. وجود افراط و تفریط؛
۹. شوخیهای زشت و زننده؛
۱۰. وجود صدای بلند و قهقهه؛
۱۱. استفاده از افرادی که مشهور به خوبی و صلاح و سداد نیستند.
- چنانچه در پایان این گفتگو مطلب خاصی دارید بیان فرمایید.
- از مجموع روایات و اخبار استفاده می‌شود، انسان مؤمن دارای یک غم و حزن دائمی در باطن خویش است که هرگز از او جدا نمی‌شود و اگر آن غم و اندوه باطنی را کنار بگذارد باطنش ممکن است به مرض غفلت و
- بی‌توجهی دچار شود. آن غم ممکن است غم فراق از یاران یا غم و حزن برای بندگان خدا و یا محزون شدن برای آخرت باشد.
- امام حسن علیه السلام می‌گوید: از هند بن ابی هاله تمیمی که توصیف‌گر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود سؤال کردم، او چنین گفت:
- «...كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُتَوَاصِلَ الْأَحْزَانِ دَائِمَ الْفِكْرِ... وَإِذَا فَرِحَ غَضَّ طَرْفَهُ جُلُّ ضِحْكِهِ التَّبَسُّمُ...»<sup>(۱)</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله اندوه پیوسته و فکر مداوم داشت... و هرگاه شاد می‌گردید، پلکهای خود را جمع می‌کرد و بیشتر خنده او تبسم بود.»
- از اینرو در روایات فراوان داریم که انسان مؤمن، حزنش در باطن و شادی و سرورش در ظاهر است.

۱. معانی الاخبار، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۱ ش، ص ۸۱